

ادامه از صفحه اول

حل مسائل ملی نگاه ملی می‌خواهد

... بی‌توجهی مردم و مسئولان سایر نواحی ایران قابل توجیه است؟ آیا همین بی‌توجهی یکی از موجبات (بی‌دلیل و بدون منطق واقعی و علمی) برای شکل‌گیری و توسعه نظریه توطئه مبنی بر دست‌داشتن مردم سایر نواحی یا مردم تهران در این مشکلات در بخش‌های مختلف کشور نشده است؟ به باور نگارنده، جنگل‌های هیرکانی همان‌قدر وطن ماست که جنگل‌های بلوط در لرستان و چهارمحال‌وختیاری در زاگرس. وطن من از مرز بازارگان در استان آذربایجان غربی تا کوثر در استان سیستان‌وبلوچستان و از خرمشهر تا سرخس است. برای جنگل‌های آق‌مشهد، دماوند و بلوط‌های زاگرس باید با یک نگاه و هدف تلاش کرد؛ روش علمی به کار گیریم تا این منابع طبیعی ملی به وضعی بد(تر) دچار نشوند و حتی‌الامکان به زندگی برگردند. اغراق و بزرگ‌نمایی و قومی‌کردن موضوع نیز هیچ چیز را حل نمی‌کند؛ نگاه ملی لازم است و اکنون دارد به‌طور نسبتاً مفیدی اعمال می‌شود. این نگاه ملی باید واقع‌بین و علمی باشد. مریض اورژانسی را هم وقتی به بیمارستان می‌برند، کادر درمانی نمی‌نشینند بالای سر مریض گریه و زاری کنند؛ دست به اقدام علمی و سیستماتیک درمانی می‌زنند. توقع خانواده و همراهان مریض هم این نیست که همه جمع بشوند بالای سر مریض و گریه کنند و تأیید کنند که مریض رفتنی است و زنده نخواهد ماند؛ دنبال درمان هستند و باید باشند. دکتر و کادر درمانی را هم الزاما از خانواده، همشهری و قوم‌وخیس انتخاب نمی‌کنند؛ «بهترین» و «آر‌دان‌ترین» را می‌خواهند و بالای سر مریض می‌آوردند. دکتر هم دست به اقدام سیستماتیک می‌زند، به‌حال مریض گریه نمی‌کند؛ درستش هم همین است. باید فهمید اول مریض دردش چیست و بلافاصله و بلادرنگ برای درمانش اقدام کرد. نگاه‌های بخشی، قومی، غیرملی و غیرعلمی را کنار بگذاریم. به کسانی هم که دارند کار می‌کنند، مدام ایراد نگیریم. تزریق هیجان و مخلوط‌کردن اخبار و شنیده‌های درست و غلط و نسبت‌دادن داده‌های درست و غلط (مخلوط!) به وضع موجود و پاسخ‌خواستن -و گیردادن مداوم- به کسانی که در حال کارند، کمکی به حل موضوع نمی‌کند که هیچ. در کار و روال درست هم اخلال ایجاد می‌شود. دلسوتر و نگران‌تر از اعضای خانواده بیماری که در اتاق جراحی و زیر تیغ جراحی است، سراغ نداریم. ولی آیا بستگان و اعضای خانواده هم در تیم جراحی مشارکت می‌کنند و در نحوه جراحی به جراح مشورت می‌دهند؟! این‌طوری بیمار منظور نظر را هم تلف خواهند کرد! اجازه به‌دیم کادر درمانی متخصص کارش را درست انجام دهد، هم‌زمان سنله را هم کلان و ملی نگاه کنیم.

اگر ترامپ دوباره انتخاب شود

برای مثال ساخت خطوط مختلف راه‌آهن و بزرگراه‌ها، ازجمله تکمیل بزرگراه شمال، با بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری مردم امکان‌پذیر شود. با پروژه‌های بزرگی برای توسعه سواحل جنوبی کشور تعریف شود؛ به گونه‌ای که میلیون‌ها نفر از ایرانیان بتوانند در این پروژه‌ها سرمایه‌گذاری کنند و در شهرهای جدید در کنار خلیج فارس و دریای عمان ساکن شوند. تمامی جزایر خلیج فارس با سرمایه مردم به جزایر تفریحی، مسکونی و فرهنگی تبدیل شوند تا هزاران گردشگر را به خود جذب کنند و جایگزین سفرهای ایرانیان به کشورهای مانند ترکیه، امارات و گرجستان شوند.

پروژه‌هایی مانند تبدیل نفت خام به فراورده‌های مختلف مثل برق، پتروشیمی، بنزین و... نیز برای سرمایه‌گذاری مردم معرفی شوند تا با صدور محصولات آنها بتوان علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، صادرات غیرنفتی را هم توسعه داد. روابط تجاری مرزی مردم با کشورهای همسایه تسهیل شود تا صادرات انواع کالاها راحت‌تر انجام شود.

از طرف دیگر لازم است «هم‌گرایی سیاسی و اجتماعی» در دستور کار حاکمیت و احزاب، نمایندگان محترم مجلس و رسانه‌ها به‌ویژه صداوسیما قرار گیرد و به تفرقه و تضادها دامن زده نشود و از نفرت‌پراکنی خودداری شود. خوب است در سیاست داخلی کشور بازنگری کرده و بسیاری از زندانیان و محصوران تعیین تکلیف و آزاد شوند تا انسجام و سرمایه اجتماعی افزایش یابد.

از تلاش برای بیرون‌راندن رقبای سیاسی با توسل به هر شیوه و ابزار خودداری نشود. اجازه بروز نشاط اجتماعی و سیاسی به‌ویژه در آستانه انتخابات آینده ریاست‌جمهوری به همه مردم داده شود تا به یاری خداوند، با برگزاری «آزادترین انتخابات» ریاست‌جمهوری در سال آینده، جمهوری اسلامی ایران بتواند آمریکا را سرخورده و مایوس کند. به هر حال، همه مردم کشور باید جنگ اقتصادی و سیاسی «شیطان بزرگ» با ایران را خیلی جدی بگیرند و با توتو بر خدای بزرگ و به سمت «قوی‌شدن» و «تولید ثروت» بروند و با «پیوستن به یکدیگر» آن جنگ را شکست دهند.

پس با بهره‌گیری از نهضت حسینی، «همه با هم» باشیم تا بتوانیم نصرت الهی را در عمل ببینیم. واعصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا

علی ایوبی: «تکلیف را روشن کنم که من برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ برنامه‌ای ندارم»؛ این را علی لاریجانی در آذر سال پیش، یک روز بعد از آنکه انصرافش را از کاندیداتوری مجلس یازدهم اعلام کرد، گفت. لاریجانی که تا سه ماه پیش، یکی از سران سه قوه محسوب می‌شد، فعلا جز حضور در مجمع تشخیص مصلحت نظام و مشاور مقام معظم رهبری بودن، عنوان رسمی ندارد. اما هر بار نامی از کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری سال بعد برده می‌شود، اسم او نیز به میان می‌آید. هرچند مشخص است که دو جناح سیاسی مهم کشور برای حمایت از لاریجانی برای نشاندن او به ریاست دولت در تردید هستند و مخالفان و موافقان زیادی دارد.

حضور ۴۰ساله

رد علی لاریجانی را در ۴۰ ساله که از پیروزی انقلاب گذشته، در مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف می‌توان دید. کارنامه کاری او در این چهار دهه نیز نشان می‌دهد حداقل در بحث توان مدیریتی، مهره قابل‌ی است و ردای بسیاری از پست‌ها را پوشیده است. علی لاریجانی ریاضی و فلسفه خوانده، دو سال بعد از پیروزی انقلاب به سپاه رفت و دهه ۶۰ را به عنوان معاون حقوقی و امور مجلس وزارت سپاه و جانشین رئیس ستاد مشترک سپاه پاسداران گذراند. دهه ۷۰، وزیر ارشاد دولت سازندگی شد؛ دولتی که رئیس آن مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به راست آن زمان و «جامعه روحانیت مبارز» تعلق خاطر داشت و بعدها از دل آن «حزب کارگزاران سازندگی» متولد شد. علی لاریجانی بعد از پایان کار دولت اول مرحوم هاشمی، به عنوان رئیس سازمان صداوسیما انتخاب شد و رویکرد برنامه‌های رادیووتلوویزیونی او با دوران و دولت دوم‌خردادی سیدمحمد خاتمی منافات بسیار داشت؛ اختلافاتی که هنوز دل اصلاح‌طلبان را با لاریجانی صاف نکرده و به‌جز همان حزب کارگزاران سازندگی از سوی دیگر نیروهای اصلاح‌طلب، طرفدار چندان‌ی ندارد.

دولت‌امید علی لاریجانی

سال ۸۴ و پایان دولت اصلاحات، فرصت مناسبی بود تا لاریجانی شانس خود را برای رسیدن به کرسی ریاست‌جمهوری امتحان کند. او در آن سال جبهه پیروان خط امام و رهبری، حزب مؤتلفه اسلامی، جامعه اسلامی مهندسین و جامعه اصناف بازار، شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی تقریبا همه اصولگرایان را کنار خود داشت. «دولت‌امید، هوای تازه، کارآمدی و شاعران‌تئاتی‌اش بود و اعلام کرده بود که وزارتیش را از افراد باصداقت از هر طیفی انتخاب خواهد کرد و شرط‌های اخلاقی و صلاحیت علمی ملاک انتخاب او بود. لاریجانی می‌گفت که دولت او به دنبال حل بحران بی‌کاری و تک‌رنگی‌کردن تورم است. لاریجانی در آن زمان از شفافیت نیز گفته بود. لاریجانی که کاندیدای شورای هماهنگی اصولگرایان شده بود، ۷۰۰میلیون و ۷۰۰ هزار رأی، یعنی حدود شش درصد آرا، از میان هفت نامزد نفر ششم شد و درنهایت هر دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا انتخابات را به احمدی‌نژاد باختند. لاریجانی در دولت جدید به دبیری شورای عالی امنیت ملی کشور رسید و پرونده هسته‌ای ایران را در دست گرفت. درنهایت اما آب او با احمدی‌نژاد به یک جوی نرفت و استعفا داد. سال ۸۷، درحالی‌که خرج خود را از احمدی‌نژاد‌های سوا کرده و دشمنی طرفداران دولت آنان را به جان خریده بود، عزم بهارستان کرد و از قم کاندیدا شد و به مجلس رفت. روزگار و چرخید و حسن روحانی به ریاست‌جمهوری رسید، حالا دولتی اعتدالی به میان آمده بود و لاریجانی نیز از اصولگرایان کمی فاصله گرفته بود. دولت در حال‌حلفصل پرونده هسته‌ای شد و با مدیریت لاریجانی بود که برجام در مجلس نهم رأی آورد؛ هرچند این اتفاق برای او خوشایند نبود و بارها از‌سوی تدروها، چه در مجلس چه در بیرون آن، مورد اذیت و طعنه قرار گرفت.

لاریجانی در فهرست‌امید

همین‌ها باعث شد تا اصلاح‌طلبان برای انتخابات مجلس دهم او را در «فهرست‌امید» قم قرار دهند. لاریجانی با رأی اصلاح‌طلبان به پارلمان رسید. باین‌حال، اصلاح‌طلبان محمدرضا عارف را برای پست ریاست مجلس در نظر داشتند اما باز لاریجانی بود که بر صدر نشست. رفتار لاریجانی در مجلس نهم و دهم نشان داد که به سمت اعتدال پیش رفته و اصولگرایان تدررو علاوه بر اصلاح‌طلبان با لاریجانی نیز دچار زاویه شده‌اند. همین شاید نقطه‌ای باشد که علی لاریجانی و طیف اصلاح‌طلب را کمی به هم نزدیک کرده اما معلوم

سیاست

تردید علی لاریجانی برای انتخابات ۱۴۰۰

بازگشت به وادی ریاست؟



کمتر از یک سال دیگر هشتمین رئیس‌جمهور تاریخ جمهوری اسلامی ایران بر مسند ریاست دولت خواهد نشست و تا آخرین روز ثبت‌نام کاندیداها برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، گمانه‌زنی برای ورود بسیاری از سیاست‌مداران به این رقابت انتخاباتی ادامه خواهد داشت. روزنامه «شرق» در نظر دارد در سلسله‌گزارش‌هایی به افرادی (از همه طیف‌های مختلف سیاسی، از اصولگرا تا میانه‌رو و اصلاح‌طلب) بپردازد که در دوران سیاست‌ورزی خود این توان و انتظار را ایجاد کرده‌اند تا بتوانند سبب رأیی برای رفتن به پایستور داشته باشند؛ اما گاه فرصت‌سوزی‌ها و گاه ناملایمات سیاسی روزگار، ما، بخت و اقبال‌شان را برای پایستورنشینی کم کرده است.

نیست این نزدیکی در انتخابات سال بعد آنها را به هم برساند یا نه.

کارگزاران به دنبال لاریجانی؟

او بعد از شرکت در انتخابات سال ۸۴، راه حجت‌الاسلام ناطق‌نوری را پی گرفت و دیگر نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری نشد، اما به نظر نمی‌رسد همچون او با سیاست قهر کرده باشد؛ پس باید منتظر اتفاقات و اخبار جدید بود. واکنش‌ها به آمدن یا نیامدن لاریجانی برای جناح‌های مختلف یکسان نبوده است. علی مطهری که نسبت خانوادگی با علی لاریجانی دارد، چند ماه پیش گفته بود: «هرچند آقای لاریجانی صراحتا نمی‌گوید که کاندیدای ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۰ است، اما این احتمال را رد نمی‌کند». در میان جناح‌های اصلاح‌طلب، بیشترین شایعات درباره «حزب کارگزاران سازندگی» است که درصدد هستند علی لاریجانی را برای انتخابات سال بعد آماده کنند. محمد عطربافر، عضو شورای مرکزی این حزب، بعد از آنکه لاریجانی رسماً اعلام کرد که برای مجلس یازدهم نمی‌آید، گفت: «درباره آقای لاریجانی باید این را درنظر داشت که شرایط او نسبت به سال ۸۴ در کل فرق کرده است. به‌رحال تجربه سه دوره ریاست مجلس کافی است تا او به عنوان یکی از نامزدهای اصلی و شاخص انتخابات ۱۴۰۰ مطرح شود». او همچنین گفته بود: «درباره همنشینی احتمالی لاریجانی با اصلاح‌طلبان می‌توان گفت اگر جریان اصلاح‌طلب نتواند به دلایل معلوم چهره‌های شاخص خود را به فضای انتخاباتی ۱۴۰۰ وارد کند، احتمال دارد حمایتی را که در سال‌های ۹۲ و ۹۶ از روحانی داشتند، در انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم از علی لاریجانی به عمل بیاورند». این سخنان نشان می‌دهد حزب کارگزاران همچنان از «نامزد اجاره‌ای» بدش نمی‌آید و ترجیح می‌دهد لاریجانی به‌صورت مستقل وارد انتخابات شود تا بتوانند او را معرفی کنند. بدالله طاهر‌نژاد، عضو حزب کارگزاران نیز گفته بود: «اگر به این نتیجه برسیم که امور زندگی و معیشت مردم با حمایت ما از آقای لاریجانی بهتر می‌شود، احتمال دارد که اصلاح‌طلبان از آقای لاریجانی حمایت کنند. هرکس بتواند کشور را به درستی اداره کند، ما مخلص او هستیم». البته اصلاح‌طلبانی هم هستند که حاضر نیستند لاریجانی را در جمع خود پذیرند. دو ماه پیش محمدصادق جوادی‌حصر، عضو شورای مرکزی حزب اعتمادملی، دراین‌باره به اینلنا گفته بود: «آقای لاریجانی اصلا



طرحی در اغما

چه خبر از کاهش اختیارات رئیس



علی ایوبی

دبیرکل حزب اعتماد ملی

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد

در یک رویداد